



Protecting intellectual property from the perspective of Islamic jurisprudence and its comparison with legal principles

Mansoureh Baqeri Pour^{1*}

Received:

24 Aug 2024

Edited:

17 Sept 2024

Accepted:

8 Oct 2024

Published:

3 Dec 2024

Keywords:

Human rights,
Intellectual
property,
Law,
Material property,
Shariah permission.

Abstract

Background and Aim: Among the important and at the same time vital issues raised in Iranian law is the legal authorization of intellectual property, which has been discussed between supporters and opponents regarding the existence or absence of legal evidence for the validity of such ownership, but has not been finalized. In addition to the incompleteness of the arguments of the parties, other principles such as allocation instead of ownership and compensation for removal of the hand instead of price, the validity of the wage of the rich, the permissibility of trading in things that were prohibited due to lack of benefit and after the emergence of benefit for them, the greater use of two important reasons based on reason and reason along with other evidence and with due regard to the effect of time and place in ijthad and considering the effects of occurrence and non-occurrence, the implication of the evidence on the legitimacy of intellectual property is certain, and with appropriate expertise in order to combine the dominance in ownership and the pursuit of the sublime in Islam, both of which are certain principles, along with consideration of national interests, the formulation of appropriate and disciplined laws and their worthy implementation are expected.

Materials and Methods: This research is conducted using an analytical-descriptive method, using books, articles, and jurisprudential and legal writings.

Ethical Considerations: In this research, the authenticity of the texts, honesty and trustworthiness have been respected.

Findings: Although intellectual property has a relatively long history in substantive law, it is considered a new subject in Shiite jurisprudence, and it is necessary for jurists to extract its ruling from Shiite jurisprudence and make it available to the Islamic community. There are two different theories about it among jurists. Some do not consider intellectual property applicable to jurisprudential issues related to contracts and have not recognized it. Others believe that it can be recognized based on Shiite jurisprudential frameworks.

Conclusion: This article, by examining the opinions of early and later jurists, proves the view that intellectual and moral property is a human right and that governments are obligated to protect the owners and owners of ideas by considering the legal realm.

1* Visiting Lecturer, Department of Law, Faculty of Humanities, Electronic Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Email: baqeripour@ut.ac.ir Phone: +989123490344

 <https://orcid.org/0000-0002-3569-4810>

Please cite this article as such: Baqeri Pour, M (2024). "Protecting intellectual property from the perspective of Islamic jurisprudence and its comparison with legal principles". *Legal Research*, 1 (2): 1-16



This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0)



حفظ مالکیت معنوی از منظر فقه اسلامی و

مقارنه آن با مبانی حقوقی

منصوره باقری پور^۱

مقاله پژوهشی

صفحات: ۱۶-۱

چکیده

زمینه و هدف: از جمله مسائل مهم و در عین حال حیاتی مطرح در حقوق ایران، مجوز شرعی مالکیت معنوی است که در خصوص وجود و عدم وجود دلیل شرعی بر اعتبار چنین مالکیتی بین موافقین و مخالفین مباحثی مطرح شده، لکن به سرانجام نرسیده است. علاوه بر ناتمام بودن استدلال طرفین، مبانی دیگری مثل تخصیص به جای مالکیت و مابه‌ازای رفع ید به جای ثمن، حلیت مزد مغنیه، اباحه معامله اشیایی که به علت عدم فایده ممنوع بوده و پس از پیدایش فایده برای آنها، بهره‌گیری بیشتر دو دلیل مهم بنای عقلا و عقل در کنار سایر ادله و با عنایت به اثر زمان و مکان در اجتهاد و لحاظ آثار ابتلا و عدم ابتلا دلالت ادله بر مشروعیت مالکیت معنوی امری مسلم است و می‌توان با کارشناسی مناسب در جهت تجمیع بین تسلیط در مالکیت و تعالی‌جویی اسلام، که هر دو از اصول مسلم هستند، همراه با لحاظ منافع ملی تدوین قوانین مناسب ضابطه‌مند و اعمال شایسته آن را انتظار داشت.

مواد و روش‌ها: این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی، با بهره‌مندی از کتاب‌ها، مقاله‌ها و نوشتارهای فقهی و حقوقی است.

ملاحظات اخلاقی: در این تحقیق، اصالت متون، صداقت و امانتداری رعایت شده است. یافته‌ها: مالکیت معنوی اگر چه در حقوق موضوعه دارای سابقه‌ای نسبتاً طولانی است، اما در فقه شیعه از موضوعات مستحدثه به شمار می‌آید و ضرورت دارد فقها حکم آن را از مبانی فقهی شیعه استخراج کنند و در اختیار جامعه اسلامی قرار دهند. در میان فقها دو نظریه متفاوت پیرامون آن وجود دارد. برخی مالکیت معنوی را قابل تطبیق بر موضوعات فقهی باب عقود ندانسته و آن را به رسمیت نشناخته‌اند. برخی دیگر هم معتقدند می‌توان بر اساس چارچوب‌های فقهی شیعه، آن را به رسمیت شناخت.

نتیجه: این نوشتار با بررسی نظرات فقهای متقدم و متأخر، این دیدگاه است را به اثبات رساند که مالکیت فکری و معنوی حقی انسانی است و دولت‌ها متعهد هستند با ملاحظات قلمرو قانونی از مالکین و صاحبان فکر حمایت کنند.

دریافت: ۱۴۰۳/۶/۳

ویرایش: ۱۴۰۳/۶/۲۷

پذیرش: ۱۴۰۳/۷/۱۷

انتشار: ۱۴۰۳/۹/۱۳

کلمات کلیدی: جواز شرعی، حقوق، حقوق بشر، مالکیت مادی، مالکیت معنوی.

۱. مدرس مدعو، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، واحد الکترونیکی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

بیان مسأله

مالکیت فکری پدیده‌ای نو است که ارزش اقتصادی آن در بعضی از موضوعات، فراتر از اموال مادی است. به عبارت دیگر، مالکیت فکری یا معنوی به حقوقی گفته می‌شود که از فعالیت‌های فکری و ابتکاری انسان نشأت می‌یابد و ارزش اقتصادی و قابلیت داد و ستد دارد، لکن موضوع آن مادی نیست.

در دنیای پرتلاطم امروزی، یکی از موضوعاتی که می‌تواند جوامع بشری را از اختلافات شخصی و جمعی در امان بدارد "آشنایی افراد با حقوق متقابل یکدیگر" است که مهمترین اثر این آشنایی و آگاهی را می‌توان در پیشگیری از وقوع بسیاری از مشکلات حقوقی دانست. بنابراین، در این نوشتار تلاش بر این است که "جایگاه مالکیت فکری در حقوق شهروندی از دیدگاه فقها و حقوقدانان" بررسی شود. زمانی که از کلمه "مالکیت" استفاده می‌شود، نخستین مفهوم متبادر به ذهن، نمودهای عینی و فیزیکی آن است، چون مالکیت معنوی هنوز درست شناخته نشده و این نعمت خداوندی مکتوم مانده است.

این موضوع در حالی است که در عصر دانایی‌محوری امروز در قوانین کشورهای مختلف دنیا، گونه‌ای از مالکیت مورد شناسایی قرار گرفته است که الزاماً نمود عینی و خارجی ندارد و غیرملموس است، اما به مالک اثر حق بهره‌مندی از آثار مالی و معنوی آن را می‌دهد.

حق مالکیت معنوی نتیجه مستقیم کار فکری انسان است که در اثر مصرف از بین نمی‌رود و به راحتی قابلیت عرضه و تکثیر دارد. این حق، به دلیل برخورداری از خصایص ویژه، باید در قالبی خاص تعریف شود و مورد حمایت قانونگذاران قرار گیرد.

این که حق چه زمانی ایجاد می‌شود و از چه زمانی مورد حمایت قانونگذار قرار می‌گیرد، دو مقوله جداگانه است؛ به طوری که بلافاصله پس از ایجاد حق، آثاری بر آن مترتب می‌شود. برای اثبات این آثار، رعایت تشریفات قانونی مدنظر قانونگذار الزامی است.

در خصوص مالکیت فکری باید گفت که ابتدا قطعه‌ای شعر، قطعه‌ای موسیقی یا محتوای یک کتاب در ذهن مالک آن خلق و سپس ارائه می‌شود. این پدیده، نمود مادی ملموس ندارد، بلکه عقلاً به آن اعتبار مالی داده و برای آن، ارزش داد و ستد قائل شده‌اند.

در عرف، یک پدیده فکری قبل از ثبت، معامله می‌شود. با اعتقاد به این که تا زمانی که اختراع، ابداع، ابتکار و ... ثبت نشود، حق مالکیت محقق نمی‌شود، مشکلاتی فراوان در خصوص مشروعیت یا عدم مشروعیت معامله پدیده‌های فکری قبل از ثبت حاصل می‌شود. همچنین قبل از ثبت توسط خالق اثر، امکان ارائه وجود دارد و فردی دیگر این امکان را می‌یابد که با کپی آن اثر، زودتر از خالق آن برای ثبت اقدام کند و تضییع حقوق مالک آن اثر را موجب

شود. لذا باید پذیرفت که پس از خلق، وجود یک اثر فکری محقق می‌شود، اما تا زمانی که ثبت نشود، مورد حمایت قانونگذار قرار نمی‌گیرد.

قانونگذار علاوه بر اختراع، ابتکار و ابداع، برای مالکان برخی علایم، نشان‌ها و طرح‌ها نیز نوعی مالکیت معنوی در نظر گرفته است که به استفاده کننده از آن حق انحصاری می‌دهد و مانند تمامی حقوق مالی شامل سه ویژگی اساسی مطلق بودن، انحصاری بودن و دائمی بودن است.

این پژوهش به جمع‌آوری، تحلیل و بررسی نظرات متفرق فقها و حقوقدانان در مورد مالکیت فکری می‌پردازد و در نهایت، ملاکی برای حمایت مالکیت فکری در حقوق شهروندی ارائه می‌دهد. امید است که با خروج این نوع مالکیت از کتمان، جامعه آن را بشناسد و نسبت به حقوق حقه خود آگاه شود.

اهمیت حفظ مالکیت معنوی

مالیت، اعتباری عقلایی است، یعنی در خارج مابه‌ازا ندارد، بلکه اعتبار عقلی و ذهنی است که عقلاً برای شیئی فرض می‌کنند. منشأ این اعتبار، نفعی است که باعث رغبت عقلاً به آن می‌شود و می‌پذیرند در قبال آن، عوضی بدهند یا برای به دست آوردن آن تلاش کنند، مانند حیات مباحات، ولی اگر چیزی باشد که هیچ منفعتی در آن تصور نشود، این شیء مالیت ندارد.

نظر به اینکه صرفاً ملاک مالیت، مقابله به عوض نیست، بلکه رغبت انسان به آن است و این رغبت، به حسب زمان و مکان متفاوت می‌باشد. مثلاً یک شیء ممکن است در زمانی به دلیل عدم وجود منفعت یا ناشناخته بودن منفعت آن، مورد رغبت نباشد، پس در آن زمان مالیت نداشته، اما در زمانی دیگر به گران‌قیمت‌ترین و نفیس‌ترین متاع تبدیل شده باشد. بنابراین، مالیت به حسب زمان، مکان، اشخاص و عادات امری متغیر است.

نکته قابل اعتنا این است که هرچند مالیت یک اعتبار عقلایی و تابع رغبت است، اما عقلایی و عمومی بودن رغبت لازم نیست، بلکه می‌تواند شخصی باشد. از این رو، رغبت شخص به شیء، مالیت برای او را موجب می‌شود؛ هر چند عقلاً و عموم آن را قبول نداشته باشند، مثل کسی که به جمع کردن حشره‌ای علاقه‌مند است، آن حشره برای او مال، و از بین برنده آن، ضامن است.

ملکیت عبارت است از نوعی اعتبار عقلایی، که از ارتباط بین شیء و شخص انتزاع می‌شود. اگر شیئی به شخصی مربوط بود، ربطی که به آن علقه ملکیت گفته شود، حتی اگر هیچ‌گونه ارزش مالی هم نداشته باشد، ملک او به شمار می‌آید. بنابراین، شایسته است سرمایه فکر انسان، که خود ثروت است، مانند اموال ملکی دیگرش به رسمیت شناخته شود. در حال حاضر، سمت و سوی حرکت معنوی به حدی است که انتظار می‌رود تعدد اموال معنوی بیش از اموال مادی شود و این سرمایه و ثروت فردی، در صورت ناشناخته ماندن به هدر می‌رود. بنابراین، باید برای حفظ این حق مهم و بزرگ انسانی کوشش شود.

نواوری تحقیق

حقوق مالکیت فکری از اهمیتی ویژه برخوردار است و نظریه‌های متعدد در این خصوص وجود دارد، لکن تاکنون صاحب‌نظران درصدد برنیامده‌اند که نظرات پراکنده فقها و حقوقدانان را گردآوری و ساماندهی کنند تا با تجمیع دیدگاهها و نظرات متشتت و تحلیل آراء موجود، ملاکی برای حمایت مالکیت معنوی در حقوق شهروندی ارائه شود. علاوه بر این، با عنایت به اینکه زوایای مالکیت فکری روشن نیست، تلاش بر تبیین، توضیح و روشن شدن زوایای نظرات مطروحه، مثل کشف یک موضوع نو و قابل اعتنا می‌باشد، که موجبی است برای پیوند زدن نظرات فقها و حقوقدانان در مورد مالکیت فکری و بهره‌مندی آحاد جامعه از آن.

به منظور توضیح بیشتر آنچه در این پژوهش مد نظر است از کتاب‌ها، مقاله‌ها، و نوشتارهای سایت‌های فقهی و حقوقی و همچنین نظر استادان دانشگاهی، حوزوی و همچنین مراجع دخیل در امور حقوقی بهره‌مند شده و اطلاعات مأخوذه را به صورت تحلیلی - توصیفی، تجزیه، تحلیل کرده است.

اهداف تحقیق

- الف - جمع‌آوری نظرات متشتت و پراکنده فقها در یک جا؛
- ب - شناساندن این نظرات به جامعه دانشگاهی، اعم از استادان و دانشجویان و محققین و همچنین به دولت برای رعایت حقوق شهروندی؛
- ج - ارائه مبانی فقهی و حقوقی به کسانی که تاکنون درخصوص مالکیت فکری به نتیجه نرسیده‌اند؛
- د - مساعدت به نظام قضایی ایران و قانونگذاران درخصوص آگاهی ایشان از وجود مبانی شرعی، که پشتوانه‌ای است برای اجرای قوانین مالکیت فکری در حقوق شهروندی.

بررسی مفاهیم

مال: در لغت، آنچه را تملک بپذیرد، مال گویند (ابن منظور، ۱۳۶۳: ذیل واژه؛ فراهیدی و دیگران، ۱۳۶۴: ذیل واژه). بدیهی‌ترین حق مالکیت از ابتدا تاکنون، مالکیت انسان بر مال و اشیای مادی است. آنچه ارزش اقتصادی داشته باشد، مال نامیده می‌شود. درواقع، مال یک دارایی فیزیکی و قابل مشاهده است، که می‌تواند به صورت منقول و غیرمنقول باشد.

حق: حق در لغت به راست و درست، ثابت، ضدّ باطل، یقین و عدل، نصیب و بهره از چیزی و همچنین به ملک و مال معنا می‌شود (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل واژه). همچنین حق را به معنای هر چیزی که شارع جعل و وضع کرده است

دانسته‌اند (خوانساری نجفی، ۱۴۱۸: ۱۰۵). عده‌ای نیز حق را مرتبه‌ای ضعیف از ملکیت معنا کرده‌اند (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۱۳). بنابراین، حق با مفهوم ذکر شده، وجودی اعتباری دارد نه وجود حقیقی و خارجی. حقوقدانان حق را سلطه و قدرت یا امتیازی می‌دانند که قانون به افراد می‌دهد (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ذیل واژه). این تعریف را می‌توان به تعریف آن دسته از فقهای که قائل به جعل اعتبار حق به دست شارع هستند و تا زمانی که او جعل اعتبار نکند حق دارای اعتبار نخواهد بود، نزدیک دانست (بحرالعلوم، ۱۴۰۳: ۱۴).

در تعریفی نیز حق را عبارت از سلطه ضعیف بر مال یا منفعت دانسته و گفته‌اند: حق عبارت است از قدرت یک فرد انسانی مطابق با قانون بر انسان دیگر، بابر یک مال و بابر هر دو، اعم از این که مال مذکور مادی و محسوس باشد، مانند خانه، یا نباشد، مانند طلب (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ذیل واژه).

مالکیت: مالکیت را در لغت به معنای حیازت و تحت سیطره و تصرف خویش درآوردن و نیز به معنای مسلط شدن و استیلاء بر شیء دانسته‌اند (زبیدی، ۱۴۱۴: ذیل واژه). همچنین مالکیت را ثروت و اقتدار هم معنا کرده‌اند (ابن منظور، ۱۴۰۸: ذیل واژه؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲: ذیل واژه). با توجه به این که مالکیت بدون ثروت و ثروت بدون مالکیت معنا پیدا نمی‌کند، این دو معنا لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

در حقوق نیز رابطه بین اشخاص و اشیاء، به نحوی که موجد هرگونه حق تصرف و انتفاع از عین مزبور باشد، مالکیت نام دارد (مجموعه قانون مدنی، ۱۳۸۹: ذیل واژه؛ البته قانون مدنی، مالکیت را تعریف ننموده است (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۸: ذیل واژه).

مالکیت نسبتی اعتباری بین مالک و مملوک است. لذا مالکیت، که ریشه‌ای فطری دارد و عقلاً بر اساس انگیزه عقلایی آن را دارای اعتبار می‌دانند، صرفاً در عالم اعتبار تحقق می‌یابد. مالکیت به طور کلی، به دو نوع مادی و معنوی تقسیم می‌شود. گاهی متعلق مالکیت یک شیء خارجی است، که آن را مالکیت مادی می‌نامند و گاهی متعلق آن معلول فکر است و در عالم خارج وجود ندارد، که آن را مالکیت معنوی نام می‌نهند.

حق مالکیت: مفهوم حق مالکیت، تسلط قانونی بر اموال است. حق مالکیت به مالکیت عین و مالکیت منافع تقسیم شده است. سلطه بر جسم و فیزیک مال را مالکیت عینی و حق بهره‌برداری از منافع مال را مالکیت معنوی نام نهاده‌اند.

حقوق مالکیت فکری

حقوق مالکیت فکری، حقوق معنوی و حقوق مادی را شامل می‌شود:

مالکیت معنوی صرفاً جنبه اعتباری و معنوی دارد و به هیچ عنوان قابل واگذاری نیست، مانند نویسنده یک کتاب، که علاوه بر این که اثر به نام وی ثبت می‌شود، صدور مجوز نشر یا عدم آن نیز در اختیار او است.

مالکیت فکری، حقی مادی است که اعطای بهره‌برداری مالی و منافع تجاری حاصل از مالکیت فکری و در نتیجه اعطای درآمدهای حاصل به مالک مادی (شخص حقیقی یا حقوقی) را شامل می‌شود. حق مادی قابلیت خرید و

فروش دارد، مانند کارمند بخش تحقیق یک شرکت تجاری، که حین انجام وظیفه به اختراعی دست می‌یابد. این کارمند مالک معنوی اختراع و شرکت تجاری، مالک مادی آن است. از ویژگی‌های حقوق مادی این است که این نوع حقوق همیشگی و دائمی نیستند و حسب مورد، فقط برای مدت زمانی به فرد اعطا می‌شوند.

حقوق معنوی

حقوق معنوی که به انگلیسی Incorporeal Rights و به فرانسه Droit intellectuel خوانده می‌شود، از حقوق عرفی رُم گرفته شده است (عبدالفتاح، بی تا: ۱۵۶). در ترمینولوژی حقوق معنوی، آن را حقّ جز حقّ عینی و ذمّی می‌گویند. از این رو، حقّ آن قانونی و غیرمادی است، مانند حقّ مخترع بر اختراع خود و حقّ کسی که گواهی‌نامه رسمی دارد و از این‌گونه است: حق مؤلف و حق نام و علائم تجاری و حق سرقتی و دیگر (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۶: ذیل واژه)

برخی حقوق دانان، تعریف حقوق معنوی را به "امتیازی قانونی" نپذیرفته‌اند، زیرا بنا بر این گفته: وجود حقوق معنوی را قانون‌گذار باید بشناسد، که معنی این تردید و برگرداندن به قانون، انکار وجود واقعی حقّ معنوی است (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۵).

حقوق مالکیت معنوی

حقوق معنوی را حقوق مالکیت‌های معنوی نیز می‌گویند، اما برخی از حقوق دانان، اطلاق مالکیت را بر حقوق معنوی، مسامحه‌ای می‌دانند، زیرا (دائمی بودن) در حقوق موضوعه از ویژگی‌های مالکیت است که در حقوق معنوی وجود ندارد (سنهوری، بی تا: ۸/۲۸۰).

مالکیت معنوی، به این معنا است که هر فرد نسبت به نتایج حاصل از تلاش‌ها و تراوشات ذهنی خود، که از خلال آن، آثاری مانند کتاب، اختراع، موسیقی، طرح صنعتی و ... ایجاد می‌شود، دارای حق مالکیت است، که به این حق، مالکیت فکری نیز می‌گویند. درواقع، حق و حقوقی است که ویژه افراد خلاق و ایده‌پرداز است و مالک این حق می‌تواند مالکیت معنوی و فکری خود را از طریق سامانه مالکیت فکری به ثبت برساند تا به این ترتیب، آثار خلاقانه افراد و اعتبار کسب و کارشان از خطرهای احتمالی در امان بماند. به عبارتی دیگر، اشخاص حقیقی و حقوقی برای جلوگیری از سرقت ایده‌های باید با مراجعه به اداره مالکیت معنوی و ارائه مدارک لازم، برای ثبت اختراع، برند، لوگو و ... مربوط اقدام کنند.

مالکیت فکری یا مالکیت معنوی

مالکیت فکری یا مالکیت معنوی (به لاتین: Intellectual Property) مالکیت بر دارایی‌های غیرمشهود است و به حقوقی گفته می‌شود که به صاحبان آن حق بهره‌وری از اندیشه و خلاقیت را می‌دهد و ارزش اقتصادی و قابلیت دادوستد

دارد، لکن موضوع آن شیء معین مادی نیست. حقوق پدیدآورندگان آثار ادبی یا هنری معروف به حق مؤلف یا حق تکثیر، حق اختراع، حق تاجران و صنعتگران نسبت به علائم تجاری، طرح صنعتی و اسرار تجاری معروف به مالکیت صنعتی هم از انواع مالکیت‌های فکری/معنوی است (صفایی، ۱۳۸۲: ۲۲۷؛ کاتوزیان، ۱۳۸۲: ۲۳).

برخی محققان، عبارت "مالکیت فکری" را برتر دانسته و معتقدند کلمه "معنوی" جامع است، لکن مانع نیست. به نظر ایشان کلمه معنوی در لغت، از معنی گرفته شده و در برابر مادی و صوری است؛ در حالی که این حقوق، حاصل فکر و اندیشه و تعقل انسان‌ها می‌باشد (امامی، ۱۳۷۱: ۱۹۳).

اغلب محققان جهان عرب نیز عبارت "حق ابتکار" را به جای حق معنوی به کار برده‌اند (شبیر، ۱۴۱۸: ۵۲). ارزش‌های به وجود آمده در حقوق کنونی، مادی و معنوی است و در تقسیم‌بندی به عینی و دینی نمی‌گنجد. موضوع این حقوق عبارت است از: حق نوآوری، تراوش ذهنی، فعالیت فکری توأم با عمل انسان که از حقوق مالی شمرده می‌شود. همه این حقوق، برای تلاش فکری بشر است و برای همین، به آن "حقوق معنوی" نیز گفته‌اند (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۳/۴۵۴). مالکیت معنوی به حق و حقوقی ابلاغ می‌شود که یک اثر خلاقانه، یک نوآوری و یک اعتبار کسب و کار را حفظ می‌کند.

مشخصات مشترک انواع مالکیت‌های فکری، غیرقابل لمس بودن، انحصاریت، قانونی بودن و محدود بودن به ناحیه خاص است (Yang D, 2008: 22).

اهمیت حفظ مالکیت معنوی

مالیت، اعتباری عقلایی است، یعنی در خارج مابه‌ازا ندارد، بلکه اعتبار عقلی و ذهنی است که عقلاً برای شیئی فرض می‌کنند. منشأ این اعتبار، نفعی است که باعث رغبت عقلاً به آن می‌شود و می‌پذیرند در قبال آن، عوضی بدهند یا برای به دست آوردن آن تلاش کنند، مانند حیات مباحات، ولی اگر چیزی باشد که هیچ منفعتی در آن تصور نشود، این شیء مالیت ندارد.

نظر به اینکه صرفاً ملاک مالیت، مقابله به عوض نیست، بلکه رغبت انسان به آن است و این رغبت، به حسب زمان و مکان متفاوت می‌باشد. مثلاً یک شیء ممکن است در زمانی به دلیل عدم وجود منفعت یا ناشناخته بودن منفعت آن، مورد رغبت نباشد، پس در آن زمان مالیت نداشته، اما در زمانی دیگر به گران‌قیمت‌ترین و نفیس‌ترین متاع تبدیل شده باشد. بنابراین، مالیت به حسب زمان، مکان، اشخاص و عادات امری متغیر است.

نکته قابل اعتنا این است که هرچند مالیت یک اعتبار عقلایی و تابع رغبت است، اما عقلایی و عمومی بودن رغبت لازم نیست، بلکه می‌تواند شخصی باشد. از این رو، رغبت شخص به شیء، مالیت برای او را موجب می‌شود؛ هر چند عقلاً و عموم آن را قبول نداشته باشند، مثل کسی که به جمع کردن حشره‌ای علاقه‌مند است، آن حشره برای او مال، و از بین برنده آن، ضامن است.

ملکیت عبارت است از نوعی اعتبار عقلایی، که از ارتباط بین شیء و شخص انتزاع می‌شود. اگر شیئی به شخصی مربوط بود، ربطی که به آن علقه ملکیت گفته شود، حتی اگر هیچ‌گونه ارزش مالی هم نداشته باشد، ملک او به شمار می‌آید. بنابراین، شایسته است سرمایه فکر انسان، که خود ثروت است، مانند اموال ملکی دیگرش به رسمیت شناخته شود. در حال حاضر، سمت و سوی حرکت معنوی به حدی است که انتظار می‌رود تعدد اموال معنوی بیش از اموال مادی شود و این سرمایه و ثروت فردی، در صورت ناشناخته ماندن به هدر می‌رود. بنابراین، باید برای حفظ این حق مهم و بزرگ انسانی کوشش شود.

دیدگاه‌های متفاوت در خصوص مالکیت فکری

الف - معتقدین عدم اعتبار مالکیت فکری

تنافی مالکیت معنوی با مذاق شریعت، از جمله نکاتی است که ممکن است صاحب‌نظرانی با استناد به آن بر عدم مشروعیت مالکیت معنوی استدلال کنند. برخی بدون پذیرش ارزش و اعتبار برای مالکیت فکری، در نفی آن گفته‌اند: آنچه که به "حق تألیف" معروف شده است و بعضی "حق طبع" نامیده‌اند، جزو حقوق شرعی محسوب نمی‌شود و نفی سلطه مردم بر اموالشان، یعنی خریداران کتاب، بدون وجود هیچ عقد و شرطی جایز نیست. بنابراین، مجرد نوشتن جمله "حق چاپ و تقلید محفوظ است" فی نفسه حقی را ایجاد نمی‌کند و دال بر التزام نیست. پس دیگران می‌توانند آن را چاپ کنند و تقلید از آن نیز جایز است و هیچ منعی برای آنها وجود ندارد (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۶۲۵/۲).

در توضیح این نظر آورده‌اند عقلاً بر ایجاد حق برای صاحب چاپخانه، به مجرد چاپ کتاب اتفاق نظر ندارند. منعی دیگر از تقلید و تکثیر اختراع مخترع جایز نیست و کسی حق ندارد سلطه دیگری را از اموال او و خود او سلب کند، زیرا طبیعت مردم در بهره گرفتن و تقلید در همه امور و اعمال و اختراعات و حرفه‌ها استوار است و عقلاً تقلید را در امور صنعتی و ساختن شیء از روی نمونه نفی نمی‌کنند و چاپ کتاب نیز از جریان این سیره خارج نیست (امام خمینی، ۱۴۰۹، ۶۲۶/۲).

چنانچه از متن فوق برمی‌آید امام خمینی با نفی برخی از مصادیق مالکیت معنوی، چنین مالکیتی را نپذیرفته‌اند. مخالفان مالکیت فکری برای اثبات مشروعیت نظر خود به دلایلی، از جمله استفتائات فقها استناد کرده‌اند، مانند:

۱. سؤال: امروزه از مسائل مهم در نظام‌های حقوقی جهان، پذیرش مالکیت فکری در جنبه‌های مختلف از حق تألیف، علائم تجاری، طرح‌های صنعتی و غیر آن می‌باشد. قانون ثبت اختراعات و علائم تجاری نیز در سال ۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده است. از آنجا که با توجه به حمایت قانون، مالکیت فکری، به عنوان دارایی تلقی شده و از آن می‌توان منافع مادی کسب کرد، دارندگان مالکیت فکری برای بهره‌مندی از منافع آن،

اجازه بهره‌برداری از آن را به صورت دائم، موقت یا محدود، در قالب قرارداد به دیگری واگذار می‌کنند. این انتقال در قالب چه معامله‌ای می‌تواند صورت پذیرد؟ در قالب بیع (تمام حق بهره‌برداری)؛ در قالب اجاره (در مدت معین یا به مقدار معین، مثلاً اجازه انتشار یک میلیون تیراژ طرح صنعتی معین) یا در قالب عقود دیگر؟

پاسخ: اصل مالکیت فکری مورد اشکال است. لیکن، بنا بر پذیرش آن، می‌تواند منافع آن را حسب مورد، در قالب بیع، اجاره یا عقود دیگر به دیگری منتقل کند (هاشمی‌شاهرودی، سایت اینترنتی).

۲. سؤال: لطفاً نظر شریف خود را نسبت به اجاره امور ذیل اعلام فرمائید: اجاره دادن حق اختراع یا ابداع (مالکیت فکری) که به ثبت رسیده از طرف صاحب آن؟

پاسخ: در اصل قبول حق اختراع اشکال است و در صورت بودن چنین حقی اجاره آن معنی ندارد و لیکن می‌تواند در مقابل اذن به استفاده موقت یا دائم از آن حق وجهی دریافت کند (هاشمی‌شاهرودی، سایت اینترنتی).

۳. سؤال: ۱- آیا حقوق مثل حق تألیف، حق طبع و حق اختراع دارای اعتبار شرعی‌اند؟

۲- آیا رعایت تمامی آثار مترتب بر آنها مثل انحصار و ارزش مالی از نظر شرعی لازم است؟

پاسخ: اصل مالکیت فکری مورد اشکال است، لیکن بنا بر پذیرش آن می‌توان بر حسب مورد در قالب بیع و یا اجاره و یا در عقود دیگر حق بهره‌برداری از منافع آن را به دیگری منتقل نماید (هاشمی‌شاهرودی، سایت اینترنتی).

۴. سؤال: استفاده از حق مالکیت فکری متعلق به امر غیر حرام و در نتیجه موجب ضمان منتفع می‌گردد یا جایز بوده و موجب ضمان نخواهد بود؟

پاسخ: از آنجا که اصل مالکیت فکری محل اشکال است لذا موجهی برای ضمان نیست (هاشمی‌شاهرودی، سایت اینترنتی).

۵. سؤال: آیا چاپ کتابی به صورت تجاری، بدون اذن مؤلف یا ناشر کتاب، در صورت وجود عبارت «حقوق طبع محفوظ است برای مؤلف یا ناشر» در آن کتاب جایز است یا این عبارت نباشد؟

پاسخ: بله جایز است (موسوی خویی، بی تا، ۴۱۱/۱، س ۱۳۱۵).

۶. سؤال: آیا تهیه چندین کپی از صفحات کتابی برای استفاده شخصی جایز است؟

پاسخ: بله جایز است (موسوی خویی، بی تا، ۴۱۱/۱، س ۱۳۱۶).

برخی حقوق‌دانان نیز در مقام مخالفت با اعتبار مالکیت فکری در مرحله ایده معتقدند تا زمانی که خلق اثر هنوز کامل نیست و ایده در مرحله اولیه قرار دارد فقط خلق اثر فکری است و معلوم نیست که این ایده در عالم واقعیت

پیاده و اجرا می‌شود یا نه. این گروه تنها تلاشی که برای کاربردی ساختن ایده و سودمند ساختن آن برای جامعه صورت می‌گیرد را شایسته حمایت و پاداش می‌دانند نه صرف داشتن یک ایده را (انصاری، ۱۳۸۶: ۱۳۴). بنابراین، اگر فردی دارای ایده‌ای مفید باشد، ولی به دلایلی نتواند آن ایده را توسعه دهد و کاربردی نماید. بدیهی است دیگران به دلیل اعطای حق انحصاری این ایده به این فرد، امکان بهره‌مندی از آن ایده را نخواهند داشت. از زیان‌های دیگر این گونه اعطای حق به صاحبان ایده‌های صرف، که به حالت مجمل باقی می‌ماند و توسعه نمی‌یابد، جلوگیری از اشاعه علم و ابتکار ایده‌پردازان دیگر می‌باشد و امکان دارد ایده‌های صرف به همان حالت مجمل باقی مانده و توسعه نیابند و یقیناً جامعه متضرر خواهد شد.

ب - موافقان اعتبار مالکیت فکری

موافقان مالکیت فکری نیز برای اثبات اعتبار مالکیت فکری به نظرات فقیهان در استفتائات انجام شده استناد کرده‌اند، از جمله:

۱. سؤال: کتابی است که مؤلف آن یک نویسنده خارجی است و در بعضی از مراکز علمی تدریس می‌شود و نویسنده حق چاپ و تکثیر را منحصر به خود دانسته، آیا بخاطر نیاز و ضرورت می‌توان بدون اجازه او این کتاب را تکثیر کرد؟

پاسخ: حق چاپ از حقوق ثابت عقلائی است و منحصر به مؤلف یا ناشر می‌باشد. لذا تکثیر آن بدون اجازه آنها جایز نیست (فاضل لنکرانی، ۱۳۸۳: ۴۲۲/۲-۴۲۳).

۲. سؤال: آیا محفوظ بودن حق چاپ و نشر از نظر شرعی صحیح است؟

پاسخ: بله، صحیح است (بهجت، استفتاءات، س ۴۰۸۴، شناسه ۶۷۹۴)

نظر حقوق‌دانان نیز در این خصوص قابل بیان است؛ به طوری که خلق هر اثر فکری را مستلزم طی مراحل می‌دانند و برای این که یک ایده بتواند شکل خارجی پیدا کند باید این مراحل را طی کند. خلق هر اثر از سه مرحله تشکیل شده است: ۱. تشکیل ایده در ذهن؛

۲. انشای ایده؛

۳. بیان آن در یک قالب مادی.

بنا به نظر عده‌ای، ایده در مرحله انشا، یک شکل مادی پیدا می‌کند و از مبتکر خود جدا می‌شود، زیرا افراد دیگر از این پس قادر هستند بر اساس شکلی که ارائه دهنده ایده به آن داده است، ایده را به کار گیرند. در واقع، زحمت اصلی را ارائه دهنده ایده متحمل شده است و هر زمان، که حدود و چارچوب ایده به صورت منسجم مشخص شود، می‌توان گفت یک ایده شکل مادی پیدا کرده و قابل حمایت است (میرشمسی و دیگران، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۷).

ج - نظر اشتراکی

برخی صاحب‌نظران به مالکیت اشتراکی قائل هستند. مالکیت معنوی را عبارت از احاطه و سلطنت کسی بر چیزی دانسته‌اند که این قسم، امری است عقلایی و بر حسب نیاز جامعه برای اشخاص حقیقی و حقوقی اعتبار شده است. بنابراین، چون تألیف نتیجه کار فکری مؤلف است مالک و صاحب آن می‌شود؛ البته ملکیت او مطلق نیست و دلیل بر حرمت امتناع و تصرفات معنوی وجود ندارد. بنابراین، نسخه‌برداری و تکثیر بدون اجازه مؤلف جایز نیست و در این صورت، مؤلف می‌تواند حق خود را مطالبه کند (صادق روحانی، ۱۴۱۴: ۲۲۵).

در مورد مالکیت‌های صنعتی، به ویژه اختراعات گفته‌اند: چون برخی اختراعات مظهر ترقی اجتماع هستند، محصول آن را نمی‌توان محصول غیرمستقیم سرمایه دانست، بلکه آن اختراع محصول غیرمستقیم شعور و نبوغ مخترع است و آثار شعور و نبوغ نیز نمی‌تواند مالک شخصی داشته باشد. بنابراین، به اشخاص تعلق ندارد، بلکه مالکیت اشتراکی در موارد خاص است که مقتضی است در آن موارد مالکیت اشتراکی و اجتماعی باشد نه فردی (مطهری، ۱۳۷۰: ۵۸-۵۹).

با عنایت به این نظریه، حق مخترع همان پاداش است نه مالکیت اختراع. به این دلیل که آن چیز را فرد به وجود نیاورده، بلکه طبیعت یا اجتماع به وجود آورده است و هیچ یک از این دو نیز برای یک شخص معین هم به وجود نیاورده‌اند، یعنی فرد نه با آن چیز رابطه فاعلی دارد نه رابطه غایی (مطهری، ۱۳۷۰: ۱۴۶).

آیه کتمان

مالکیت فکری در حال حاضر یکی از مسائل مهم زندگی حقوق شهروندی است و اثراتی فراوان بر آن مترتب می‌باشد، لذا برخی صاحب‌نظران به دلیل این که به رسمیت شناختن مالکیت فکری باعث می‌شود تولیدکنندگان آثار فرهنگی و علمی بدون دریافت اجرت، آثار خود را در اختیار جامعه قرار ندهند و از این بابت جامعه لطمه ببیند به این نوع مالکیت فکری و معنوی ایراد می‌گیرند، مثلاً چنانچه مخترع برق بخواهد اختراع خود را به قیمتی گزاف به دنیا عرضه کند، بخشی عمده از جامعه توانایی بهره‌مندی از آن را نخواهند داشت و روز به روز بین غنی و فقیر فاصله بیشتر می‌شود، که هرگز چنین اقدامی مورد رضایت شارع مقدس نخواهد بود و از آنجا که مالیت داشتن ابتکارات ذهنی یک موضوع جدید فقهی است، نصی صریح در تأیید آن یافت نشد؛ البته این مبحث با عنوان انتحال در متون قدیمی مورد توجه قرار گرفته است. بعضی فقها با توجه به دلایلی خاص، از جمله استناد به آیه کتمان، که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَ الْهُدَىٰ مِنْ بَيْنَاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ

الْأَعْنُونَ»^۱ (بقره/۱۵۹) و احادیثی که در منع اخذ اجرت برای انجام واجبات وجود دارد، حق مالکیت فکری را نپذیرفته‌اند و برخی دیگر در موافقت با این حق، به ارتکاز عقلی و سیره عقلا تمسک جسته و از آن به عنوان دلیل خاص تبیین جایگاه عرف مالکیت معنوی بهره برده‌اند.

پیام های آیه کتمان:

۱. «يَكْتُمُونَ ... يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْأَعْنُونَ»: ظلم فرهنگی، بدترین ظلم‌ها است که لعنت خالق و مخلوق را به دنبال دارد؛
۲. «... الْبَيِّنَاتِ ...»: کتمان، حق، خواه کتمان معجزات باشد، خواه کتمان دلائل حَقَانِیَّت، ممنوع است (قرائتی، ۱۳۸۳: ۲۴۷/۱)؛
۳. «... يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ ...»: لعنت خداوند بر کسانی است که کتمان حق می‌کنند، که بزرگترین گناهان است، چون مانع هدایت مردم و باقی ماندن نسل‌ها در گمراهی است؛
۴. «... يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ الْأَعْنُونَ»: کتمان حق، ظلم به دین خدا و حق مردم نسبت به هدایت یافتن است. لذا کتمان کنندگان حق را، خدا و مردم لعنت می‌کنند؛
۵. «... يَلْعَنُهُمُ الْأَعْنُونَ»: نفرین و لعنت مردم مؤثر است و باید از اهرم نفرت مردم برای نهي از منکر استفاده نمود.

نتیجه

امروزه حمایت از حقوق مالکیت معنوی یکی از مهم ترین نگرانی های جامعه جهانی امروز است. این حمایت برای نوآوران و مبدعان تکنولوژی برتر دنیای کنونی امری حیاتی و برای واردکنندگان این تکنولوژی موضوعی غیرقابل انکار است؛ به طوری که می‌توان با دیدی عمیق‌تر و آینده‌نگری بیشتر آن را حرکتی جهانی در مسیر رفاه نوع بشر به شمار آورد و در شناسایی گزینه‌های سیاسی مناسب به منظور همگامی موفقیت‌آمیز کشورهای در حال توسعه با اقتصاد جهانی کمکی مؤثر و شایسته است.

با عنایت به استدلال مخالفان و موافقان چنین نتیجه گرفته می‌شود که نمی‌توان به طور کلی ایده را مشمول حمایت حقوقی قرار نداد، زیرا عدم حمایت از یک فکر نو در قالب نظام حقوق مالکیت فکری نباید به معنای عدم حمایت مطلق باشد و ضرورت حمایت از ایده به خاطر ارزش مالی و فواید اجتماعی آن الزاماً به معنای حمایت از آن در قالب

۱. یعنی: کسانی که نشانه های روشن و رهنمودی را که فرو فرستاده‌ایم بعد از آنکه آن را برای مردم در کتاب توضیح داده‌ایم نهفته می‌دارند آنان را خدا لعنت می‌کند و لعنت کنندگان لعنتشان می‌کند (فولادوند، بی تا: ذیل آیه).

حقوق مالکیت فکری نیست، بلکه یافتن روش‌های و وضع قوانین مربوط، که با اعمال آنها هم منافع ایده‌پردازان و هم منافع جامعه تأمین شود، از الزامات است.

مالکیت معنوی به دلیل بروز هر چه بیشتر حقوق غیرمادی (معنوی) و نقش مؤثر آنها در زندگی انسان کنونی دارای اهمیتی ویژه است. کشورهای متمدن جهان به دو دلیل از وضع قوانین در مورد مالکیت فکری حمایت می‌کنند:

دلیل اول: به کمک قانون از مالکیت معنوی پدیدآورندگان آثار معنوی محافظت شود؛

دلیل دوم: با تشویق مبتکران و صاحبان فکر و اندیشه، به توسعه فرهنگ و اقتصاد جامعه کمک شود.

در نهایت، ملاحظه آراء حقوقی و نظرات فقهی فقیهان، به دو نتیجه مهم و ضروری اشاره دارد:

نخست این که حق تألیف، اختراع، ساخت و تولید از حقوق عقلایی است که شارع مقدس بر اساس عمومات کتاب و

سنت آن را امضا کرده است. در عرف عقلا هم عدم رعایت حق، نوعی ظلم به صاحب اثر محسوب می‌شود؛

دومین مطلب هم عنایت به رعایت حقوق نویسنده، ناشر، مخترع، تولید کننده و ... در کشور اسلامی، واجب و تعدی

از آن حرام است، که همه باید ضمن محترم شناختن این حقوق، به اجرای قانون اسلامی پای‌بند باشند.

با توجه به مطالب فوق، تکثیر و نسخه‌برداری از یک اثر علمی، هنری، صنعتی و مانند آن با نادیده گرفتن حق صاحب

آن، ممنوع و حرام است، لکن اگر به گونه‌ای باشد که نه حقی ضایع شود و نه مخالفتی با قانون و قرارداد رخ دهد،

تکثیر و نسخه‌برداری منعی نخواهد داشت.

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی مربوط به نگارش متن و نیز ارجاع به منابع رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از تمام کسانی که بنده را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، کمال تشکر را دارد.

سهم نویسندگان

نگارش این مقاله بر اساس اصول نگارش مقالات حقوقی در تمامی مراحل تهیه پلان، جمع‌آوری منابع و نگارش به‌طور مشترک توسط نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

این پژوهش فاقد هرگونه تضاد منافع است.

فهرست منابع

- قرآن کریم

- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۰۸). لسان العرب. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی؛
- انصاری، باقر (شهریور ۱۳۸۶). شرایط اثر قابل حمایت در نظام مالکیت‌های ادبی و هنری (کپی‌رایت). مجله تحقیقات حقوقی، دوره ۱۰، شماره ۴۵، ۹۷-۱۵۱؛
- بحرالعلوم، محمد بن محمد تقی، (۱۴۰۳)، بلغه الفقیه، منشورات مکتبه الصادق، طهران؛
- بهجت، محمد تقی (بی تا). استفتائات. برگرفته در تاریخ ۱۴۰۳/۳/۱۰، ساعت ۱۰:۰۰ از سایت مرکز تنظیم و نشر آثار آیت الله العظمی بهجت قدس سره، به نشانی:
https://bahjat.ir/fa/search-ahkam?search_api_views_fulltext=٦٧٩٤&field_books=%D%A%٧D%B%٣D%٨AA%D%٨١%٩D%٨AA%D%٨A%٧D%٨A%٦D%٨A%٧D%٨AA%٢C
- پیلوار، رحیم (۱۳۹۱). فلسفه مالکیت. تهران: شرکت سهامی انتشار؛
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۶). ترمینولوژی حقوق. تهران: گنج دانش؛
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۸). دوره متوسط شرح قانون مدنی (حقوق اموال). چاپ ششم، تهران: گنج دانش؛
- خوانساری نجفی، موسی، (۱۴۱۸)، منیه الطالب فی شرح المکاسب، انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم.
- روحانی، سید محمد صادق (۱۴۱۴). المسائل المستحدثه. قم: دارالکتاب؛
- زبیدی، محمد بن محمد مرتضی (۱۹۹۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: چاپ علی شیر؛
- سنهوری، عبدالرزاق (بی تا). الوسیط. قاهره: دارالنهضة العربیه؛
- شبیر، محمد عثمان (۱۴۱۸/۱۹۹۸). المعاملات المالیة المعاصرة فی الفقه الاسلامی. اردن: دارالنفائس؛
- صفایی، سیدحسین (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی. اشخاص و اموال. چاپ دوم، تهران: میزان؛
- عبدالفتاح، مراد (بی تا). المعجم القانوني رباعی اللغة. مصر: اسکندریه؛
- فراهیدی، عبدالرحمن الخلیل؛ مخزونی، مهدی و سامرائی، ابراهیم (۱۳۶۴). کتاب العین. قم: دار الهجرة؛
- فولادوند، محمد مهدی (۱۴۱۸). ترجمه قرآن. چاپ سوم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی؛
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲). القاموس المحيط. بیروت: داراحیاء التراث العربی؛
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور. چاپ یازدهم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). دوره مقدماتی حقوق مدنی: اموال و مالکیت. چاپ هفتم، تهران: میزان؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷). فلسفه حقوق. تهران: شرکت سهامی انتشار؛
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). اموال و مالکیت. تهران: یلدا؛

- مجموعه قانون مدنی (ویرایش ششم) (۱۳۸۹). چاپ هفتم. معاونت تدوین، تنقیح و انتشار قوانین و مقررات معاونت حقوقی ریاست جمهوری؛

- مطهری، مرتضی (۱۳۷۰). نظری به نظام اقتصادی اسلام. تهران: صدرا؛

- موحدی لنگرانی، محمد (۱۳۸۳). جامع المسائل. چاپ یازدهم، قم: امیر؛

- موسوی خمینی، سیدروح‌الله [امام خمینی (ره)] (۱۴۰۹). تحریر الوسیله. قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی قدس سره؛

- موسوی خویی، سیدابوالقاسم (بی تا). استفتائات (فارسی). تحقیق: سیدمحمود مددی موسوی. بی جا: مؤسسه الخوئی الإسلامية؛

- میرشمسی، محمدهادی؛ جلائیان دهقانی، حسام و تیموری، علیرضا (خرداد ۱۳۹۳). ایده و حمایت از آن در حقوق مالکیت فکری. فصلنامه علمی پژوهشی حقوق اسلامی، ایران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، دوره ۱۱، شماره ۴۰، ۷۱-۱۰۴؛

- هاشمی‌شاهرودی، سیدمحمود، برگرفته در تاریخ ۱۳۹۶/۱۱/۱۰ ساعت ۲۱:۰۰ (استفتائات). از سایت اینترنتی به نشانی:

<https://hashemishahroudi.org/index.php/fa/questions>

- Yang D (2008). *Intellectual Property Theories*. Ch2.